

الشیعه» - که مرجع علما بوده و هست - تقطیع و تکه تکه شده‌اند؛ یعنی حرّعاملی این احادیث را تقطیع و در بحث‌های مختلف خود در ابواب گوناگون، ذکر کرده است. وقتی حدیثی تقطیع و تکه تکه می‌شود، نمی‌توان مفهوم کلی آن را به خوبی درک کرد؛ زیرا ممکن است در بخش‌های دیگر حدیث، قریبه‌ای آمده باشد که با تکه تکه شدن آن، نمی‌توان آن را درک کرد. بنابراین بر خود لازم دانست، تا کتابی تألیف و احادیث تکه تکه شده را به صورت کامل و یکجا جمع‌آوری کند.

براساس این منطق، مرحوم آیت‌الله بروجردی دست به تألیف این کتاب زد و از جمله افراد کمیته تألیف این اثر، آیت‌الله واعظزاده بود که در این زمینه تحقیق و بررسی انجام می‌داد. البته ناگفته نماند که مرحوم واعظزاده انسانی پرتلاش و اهل تحقیق بود. به طور مثال در همین اواخر - تقریباً یک ماه پیش از رحلت - همچون کارمندی معمولی، از صبح تا عصر در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی حضور می‌یافت و مشغول مطالعه و تحقیق می‌شد. همچنین تا سال پایانی حیات نیز در دانشگاه - مقطع دکترا - مشغول تدریس بود. این مسأله عزم راسخ او در تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد و در واقع بیماری او اواخر عمر شریفشان، موجب شده بود کمتر بتواند فعالیت داشته باشد.

**ایشان به سیره
اهل بیت (ع) بویژه
امام علی (ع)، مبنی
بر گفت‌وگو و تعامل با
اهل سنت، تکیه داشت
و معتقد بود: منش
امیرمؤمنان (ع) بیانگر
تقریبی بودن است،
نه انفکاک و جدایی،
بنابراین ما نیز به عنوان
پیروان حضرت، باید در
همین مسیر گام برداریم
و اگر شیعه ایشان
هستیم، در مقام عمل
نیز همین‌طور باشیم،
نه اینکه رفتار حضرت
را توجیه کنیم، با آنکه
عقل نیز توصیه می‌کند
بر مشترکات تأکید کرده
و اختلافات را مورد بحث
علمی قرار دهیم**

امیرمؤمنان (ع) بیانگر تقریبی بودن است، نه انفکاک و جدایی، بنابراین ما نیز به عنوان پیرو آن حضرت، باید در همین مسیر گام برداریم و اگر شیعه ایشان هستیم، نه اینکه رفتار حضرت را توجیه کنیم، با آنکه عقل نیز توصیه می‌کند بر مشترکات تأکید کرده و اختلافات را مورد بحث علمی قرار دهیم.

در واقع مرحوم آیت‌الله واعظزاده نیاز ضروری امروز جامعه را وحدت و تأکید بر مشترکات می‌دانست و اگر در پی کسب مقام و منصب بود، هرگز وارد این مباحث نمی‌شد. این اندیشمند گرانقدر معتقد بود: عالم دینی رسالت مهمی بر عهده دارد و باید روشنگری کند و راه درست را به مردم نشان دهد. راه درست نیز از نظر او، در جامعه ما (تقریب مذاهب) و «تعامل و گفت‌وگو با اهل سنت» بود و البته نیز می‌دانست این سخنان هزینه‌هایی دارد که این هزینه‌ها را نیز پرداخت کرد و ترس و واهمه‌ای در این مسیر نداشت.

◀ **با توجه به شناخت علمی که از شخصیت آیت‌الله واعظزاده دارید، آیا ایشان تفسیر خاصی از حدیث ثقلین داشتند؟**
استاد همچون دیگر علما و بزرگان، تفسیر و باور رایج و تحلیلی مانند دیگر اندیشمندان اسلامی را داشت. هرچند باید یادآور شوم که این حدیث، حدیثی است که مورد قبول اهل سنت و برخی وهابیان معتدل نیز هست که آن را به عنوان حدیث صحیح پذیرفته‌اند، اما اختلاف جزئی در برداشت آن، وجود دارد، به این ترتیب که شیعه معتقد است پیامبر (ص) فرموده‌اند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»، اما اهل سنت اعتقاد دارند آن حضرت به جای کلمه «عترتی»، فرموده‌اند «سنتی». گذشته از این مباحث، مرحوم واعظزاده نیز معتقد بود که از این حدیث، همراهی و همگامی قرآن و اهل بیت (ع) برداشت می‌شود و قرآن بدون اهل بیت (ع) قابل فهم نیست و اهل بیت (ع) نیز بدون پشتوانه قرآنی، مورد قبول و پذیرش ما نیستند.

◀ **دیدگاه استاد واعظزاده در خصوص وحدت جامعه مسلمین چگونه بود؟**

حقیقت این است که ایشان معتقد بود: باید با علمای اهل سنت گفت‌وگو کرد و افق‌های فکری نزدیک را پیش‌روی هم قرار داد و اختلافات فکری را در محیط و فضای علمی مورد بحث و بررسی قرار داد که اگر بحث علمی و با منطق و بدون احساس‌زدگی باشد، طرف مقابل نیز آن را خواهد پذیرفت و در غیر این صورت، واکنش نشان خواهد داد. بنابراین باید با اهل سنت وارد گفت‌وگو و برگزاری جلسات، سمینار و همایش‌های مختلف شد و در برابر آنها، اتحاد و همدلی و یکدلی را در پیش گرفت و اگرچه شاید گاه طرف مقابل مجاب نشود، اما حداقل نتیجه این بحث‌های علمی، کاهش تنش و اختلاف است. از این رو، استاد واعظزاده در راستای رسیدن به این هدف و خالی کردن فضای جوامع اسلامی از خشونت، تشنج و اختلاف، سفرهای متعددی به کشورهای اسلامی داشت که منجر به تقریب بیشتر مذاهب می‌شد.

◀ **مرحوم واعظزاده در زمینه تصحیح و تحقیق کتاب‌های حدیثی چه نقشی داشتند؟**

ایشان مجموعه‌ای از نسخ خطی داشت که به دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی هدیه داد و مقرر بود این نسخ خطی در دانشگاه بماند. در واقع مرحوم واعظزاده به این موضوع بها می‌داد و برای آن ارزش قائل بود و به تصحیح نسخه‌ها و دست‌نوشته‌های قدیمی که در نگارش آنها خطا و اشتباهاتی پیش آمده بود، دست می‌زد.

در واقع از آنجا که در گذشته نوشتارها به صورت امروزی نبود و امکانات چاپی در دسترس وجود نداشت، گاه نگارنده احادیث، به لحاظ مختلف اعم از آدرس آیات یا روایات و... دچار خطا می‌شد که باید مورد اصلاح قرار می‌گرفت. در حقیقت مرحوم واعظزاده اهتمام خاصی نسبت به تصحیح نسخ و نوشتارهای حدیثی داشتند و در پاورقی این آثار، موارد مورد نیاز را اصلاح و ذکر می‌کردند. بنابراین بطور جد می‌توان گفت: این استاد فقیه هم در نگهداری و هم در تصحیح کتب و نوشتارها و تألیفات حدیثی تلاشی ستودنی داشت.

◀ **میزان اهتمام آیت‌الله واعظزاده به احادیث اهل سنت در شناخت معارف اسلامی تا چه اندازه بود؟**

اتفاقاً یکی از دروسی که سال‌های متمادی آن را در مقطع دکترا تدریس می‌کرد، بحث جوامع حدیثی اهل سنت بود. ایشان صرف اینکه حدیثی از اهل سنت روایت شده باشد را مردود نمی‌دانست، بلکه ملاک او اعتبار و وثاقت حدیث بود؛ یعنی راوی آن اهل دروغ نباشد و حدیث نیز از احادیث ثقه به حساب آید. او به سیره اهل بیت (ع) بویژه امام علی (ع)، مبنی بر گفت‌وگو و تعامل با اهل سنت، تکیه داشت و معتقد بود: منش